ایرنا

آیا شما هم در قرنطینه چیزی آموختید

کرونا؛ آموزگاری قابل احترام

محمد معصومیان
گزارش نویس

آرش سه‌تار را بعد از ۱۵ سال از کمد بیرون آورد و دوباره کوک کرد. خودش می‌گوید: «یادم هست آن سال‌ها که کلاس می‌رفتم همیشه به شوخی می‌گفتیم روزی ۶ ساعت تمرین می‌کنم. اما در ایام قرنطینه واقعاً در روز ۶ ساعت تمرین کردم.» گلنوش هم برای اولین بار با دیدن ویدئوهای آموزشی و مشورت گرفتن از دوستان توانست طرز کار با نرم‌افزار «تری‌دی‌مکس» را که نرم‌افزار طراحی سه بعدی معماری است یاد بگیرد: «همیشه دلم می‌خواست این کار را بکنم تا بالاخره قرنطینه این فرصت را به من داد.»

برای بعضی قرنطینه زمانی شد برای آموختن مهارتی جدید و برای برخی هم زمانی برای یادآوری و بازبینی خلاقیتی که سال‌ها پیش آن‌را کسب کرده بودند و در گذر ایام به فراموشی سپرده بودند. همین طور فرصتی برای آموختن هنری جدید که شاید سال‌ها یادگیری آن‌را پشت گوش انداخته بودند. کرونا این فرصت را فراهم کرد تا به گذشته برگردند و علایقی را که سال‌ها نادیده گرفته بودند پیگیری کنند. روانشناسان و کارشناسان سلامت یکی از بهترین راه‌های سلامت روان در ایام قرنطینه را فراگیری مهارتی در این ایام معرفی کردند و خیلی‌ها این پیشنهاد را با آغوشی باز پذیرفتند.

مرضیه ۳۵ ساله است و استاد حق التدریس دانشگاه در رشته گرافیک و طراحی. او کلاس خصوصی نقاشی هم برای کودکان برگزار می‌کند و کرونا باعث شده این چند ماه بیکار بماند اما بیکاری برای او معنا ندارد: «روزهای اول که مجبور شدم با همسرم در خانه بمانیم خیلی خوش می‌گذشت بعد از ۵ سال حسابی برای همدیگر وقت داشتیم اما کم کم حوصله هر دوی ما سر رفت تا اینکه حرف‌های روانشناسی که او را در اینستاگرام دنبال می‌کنم مرا به فکر فرو برد و تصمیم گرفتم تغییری در زندگی‌ام بدهم.»

مرضیه که بعد از یک هفته متوجه شد داستان قرنطینه و تعطیلی دانشگاه ادامه خواهد داشت لیستی از کارهایی که همه این سال‌ها دوست داشت انجام بدهد آماده کرد؛ کارهایی که به قول خودش «روزمرگی و دنبال پول دویدن نگذاشته بود به آنها فکر کند.»

این بار قضیه متفاوت بود و او عزم خودش را جزم کرده بود: «سرلیست من ترجمه کتاب بود؛ با یکی از دوستان ناشرم صحبت کردم و او کتابی در مورد هنر پیشنهاد داد تا از انگلیسی به فارسی برگردانم.» او هنوز هم مشغول ترجمه است هر چند سخت و به کندی: «راستش با همه سختی‌ها خوشحالم که حالا تقریباً یک ماه و نیم در کنار باقی کارهای خانه و خرید، یک دلخوشی جدید دارم. مطمئنم تجربه خوبی برایم خواهد بود شاید با این وضعیت اقتصادی که باعث کم شدن شاگردهای خصوصی‌ام شده، بیشتر روی این کار تمرکز کنم.»

آرش تقریباً ۴۰ سال سن دارد با سبیل پرپشتی که یادگار جوانی و علاقه‌اش به ادبیات عرفانی است. عشقی که همه این سال‌ها با او بوده و در جوانی با اشتیاقش به ساز سه‌تار شروع شده است: «همه این سال‌ها در کنار کاری که هیچ ربطی به عشقم ندارد در زمینه تاریخ و ادبیات عرفانی مطالعه کردم. کتاب‌ها و روایت‌های آدم‌های بزرگ این سرزمین را خواندم اما همیشه دلم می‌خواست دوباره برگردم به جوانی و کلاس سه‌تار و بحث‌هایی که در گعده‌های خودمانی می‌کردیم تا اینکه داستان کرونا شروع شد و من بعد از سال‌ها خاک جعبه سه‌تار را تکاندم و بازش کردم.»

با وجدی خاص از شروع تمریناتش می‌گوید و پیشرفتی که هر روز در حرکت دستانش می‌دید:«همان اوایل قرنطینه بود که شروع کردم. هنوز مغازه‌ها باز بود و سریع سیم خریدم چون همه سیم‌های ساز نازنینم شل شده بود. دورکار بودم و باید پای سیستم منتظر می‌نشستم، این شد که ساز و کتاب‌های تمرین قدیمی را گذاشتم کنار میز و همه لحظات انتظار برای پاسخگویی به سؤال مشتری را نواختم و نواختم.» او که رئیس پشتیبانی یک شرکت خدماتی نه چندان بزرگ است با خنده می‌گوید: «آنقدر ساز زدم که پسرم حالا منتظر است اوضاع به روال عادی برگردد تا برای او ساز بخرم.» با خنده می‌گوید: «فکر می‌کند پدرش استاد بزرگ سه‌تار است.»

آرش از حال خوبی که در دوران قرنطینه داشته تعریف می‌کند؛ اینکه رخوت در خانه ماندن را کمتر از بقیه تجربه کرده و این پویا بودن باعث شده با پسر و همسرش که در خانه ۷۰ متری زندگی می‌کنند هم برخورد آرام و مثبتی داشته باشد: «فکر می‌کردم عجب روزهای خاطره‌انگیزی شده و دائم احساس خوبی داشتم از اینکه بعد از سال‌ها مشغول کاری هستم که واقعاً دوستش دارم. بیهودگی و بطالتی که امان بعضی از دوستانم را بریده بود در من نبود.»

علایق گلنوش با آرش و مرضیه متفاوت است. او که در شرکت ساختمانی پدرش کار می‌کند لیسانس مدیریت دارد اما عاشق معماری داخلی خانه است: «همیشه می‌خواستم به نرم‌افزار «تری‌دی‌مکس» مسلط باشم تا بتوانم خودم طراحی کنم. بالاخره با تشویق یکی از دوستانم و کمک‌های او در خانه ماندن برایم تبدیل به یکی از پربارترین روزهای زندگی‌ام شد و موفق شدم یک بار واقعاً تنهایی و به سختی کاری را یاد بگیرم. می‌گویم اولین بار چون واقعاً معتقدم در دانشگاه چیزی یاد نگرفتم.»

او البته بجز تمرین و تمرکز روی یادگیری این نرم‌افزار، ساعت‌های زیادی را هم به دیدن فیلم‌هایی گذراند که همه این سال‌ها خریده بود و گوشه‌ای انبار کرده بود: «آشپزی هم زیاد کردم و از مامان برای اولین بار پختن غذاهایی را یاد گرفتم که خوابش را هم نمی‌دیدم.»

گلنوش تعریف می‌کند که قرنطینه نه تنها برای او زمان خوبی برای یادگیری بوده بلکه برای پدرش هم تقریباً همین طوری گذشته است: «بابا که برای اولین بار در همه این ۳۰ سالی که ساختمان سازی می‌کند کار را تعطیل کرده بود از من خواست کار کردن با نرم‌افزارهای «ورد و اکسل» را یادش بدهم. به سختی اما دست و پا شکسته یاد گرفت و خوشحال است. بنظرم چون دیده بود من چه سرحال و سرگرمم او هم دلش خواست کاری را یاد بگیرد.»

مجید که ۳۸ سال سن دارد می‌گوید کرونای خفیفی گرفته و رد کرده است. او بهبودی از شر این ویروس را مدیون ورزش همیشگی‌اش می‌داند که حالا بیشتر از همیشه برایش وقت می‌گذارد: «تقریباً از یک هفته قبل از اعلام عمومی شیوع کرونا در ایران من بیمار بودم و تا دو هفته هم علائم کرونا را داشتم اما خدا را شکر به ریه‌ام سرایت نکرد و توانستم بدون بیمارستان رفتن بیماری را رد کنم.»

او که تا همین امروز در خانه قرنطینه است برای خودش باشگاهی خانگی درست کرده: «این دوماه هر وسیله ورزشی که در بازار اینترنتی قیمت مناسبی داشت، خریدم. غیر از دو هفته بیماری، بیشترین کاری که کردم ورزش بود و سعی کردم رکوردهای خودم را ارتقا هم بدهم.» او که برنامه‌نویس شبکه‌های مخابراتی است از قبل با پروژه گرفتن و دورکاری در خانه آشنا بوده و حالا هم غصه‌ای ندارد جز تعطیلی مسابقات فوتبال در سراسر دنیا. با خنده می‌گوید: «من کرونا را هم شکست دادم اما برای غم بی‌فوتبالی نتوانستم کاری بکنم.»این تلاش برای آموختن در شرایطی که همه چیز رو به مرگ و زوال بوده همانقدر عجیب است که خود کرونا و شرایطی که برای اولین بار در همه دنیا پدید آورد. حالا که همه چیز متوقف شده و زمین در تعطیلات است انگار این تلاش برای همه کسانی که با آنها صحبت کردم نوعی امیدواری به آینده بود، آینده‌ای که هنوز شروع نشده و مثل چراغی در دوردست‌ها سوسو می‌زند. آیا این آموختن‌ها به کارمان خواهد آمد؟ چه باک که اگر هم به کار نیاید، لااقل امید را زنده نگه داشت است؛ آموختن شاید آخرین و جدیدترین مکانیزم دفاعی ذهن ما در برابر این حجم از ناامیدی و درماندگی باشد. مکانیزمی که حتی زیگموند فروید هم نمی‌توانست آن‌را حدس بزند.

دورکار بودم و باید پای سیستم منتظر می‌نشستم، این شد که ساز و کتاب‌های تمرین قدیمی را گذاشتم کنار میز و همه لحظات انتظار برای پاسخگویی به سؤال مشتری را نواختم و نواختم. احساس خوبی داشتم از اینکه بعد از سال‌ها مشغول کاری هستم که واقعاً دوستش دارم. بیهودگی و بطالتی که امان بعضی از دوستانم را بریده بود در من نبود

جدول سودوکو ۳۳۷۲

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۳			۶			۲		
				۴				
	۶	۱		۳		۲	۷	۹
۶	۲		۸			۱	۴	
۵		۴		۹	۳			۲
	۸	۷	۵			۳		۹
۴		۸		۶	۹	۳		
				۸				
			۴				۳	۸

متوسط

۳				۶	۵			
۴			۲					
۶	۹			۸	۱			۴
۸	۳			۵				
		۱	۷	۳	۹	۴		
			۸				۳	۵
۲		۳	۵				۷	۱
				۷				۹
		۵	۲					۳

سخت

۳				۱		۹		۲
۵					۸		۴	
۶					۱			
۸		۳	۹					
			۷	۶	۳			
					۵	۶		۳
		۵						۴
	۷		۳					۸
۴		۲		۷				۱

خیلی سخت

۸	۵			۳				
	۱	۶						
			۲		۵			
		۸		۷		۹		
۵			۶	۹	۳			۲
	۷			۱		۴		
			۹		۴			
						۸	۶	
				۵			۱	۴

حل جدول سودوکو شماره ۳۳۷۱

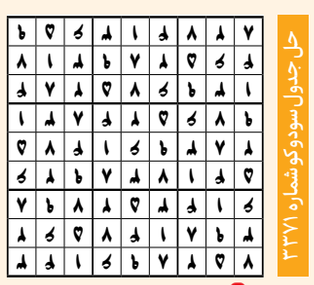

یک جدول با دو شرح ۷۳۳۷

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:
۱- نشانه احترام و فروتنی- قوت خاک از آن است
۲- پول «چین»- آش محلی «یزد»- آگهی تبلیغاتی
۳- دسته‌ای از اتم‌ها- مصون، سالم- گندیده
۴- سرآغاز شکست- کاهن- تودل برود و لپذیر- بله عرب
۵- از خواهران برونته- همسفر- اصل، بنیاد
۶- جمع کوکب- گلی زینتی- برادر پدر
۷- نامی پسرانه با ریشه فارسی- رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه- رنگ طبیعت
۸- بی آن فطیر است- نام دخترانه- وحشت
۹- نفرین- نام «شوکر» رئیس فدراسیون فوتبال کرواسی- نوشته‌شده و گنجانده‌شده
۱۰- حرف صلیب- گیاهی دارویی- با «کبکبه» آید
۱۱- پرآوازه- نام دیگری برای دختران- ستون بدن
۱۲- زبان و گویشی در کشور مان- کنایه و رمز- کافی- فربه
۱۳- متاع- پوششی زنانه- غمخوار
۱۴- شایستگی- فرود آمدن- سازمان فضانوردی امریکا
۱۵- دست گره کرده- بنای مذهبی و تاریخی شهر «شیراز»

عمودی:
۱- خمیراک- یکی از بزرگ‌ترین فیزیکدانان قرن هجدهم و نوزدهم
۲- صادق- نشانه‌ها- اشعه پزشکی
۳- شن نرم- یکی از کوچه‌های قدیمی شهر تهران- فرزند فرزند
۴- کلمه شرط- حجره- به اندازه- شکل لباس
۵- حرکت کننده- وسیله پرواز- نانی که از آرد خشک پزند
۶- جاروی دسته‌دار- ادیب آلمانی- مربوط به زمانی خاص
۷- شهر «مجارستان»- شکوه و جلال- شش ضلعی
۸- کفن- دانشگاهی خصوصی در «امریکا»- گرده خون
۹- افسانه سرا- گلر دوم «تراکتور»- پرچم
۱۰- آونگ- مقیاس- تیم فوتبال فرانسوی
۱۱- حرف فاصله انداز- از خواص استامینوفن- آقای فرانسوی
۱۲- حرف پوست کنده- از اساطیر مصر- صاف و شفاف- بدون درنگ
۱۳- دودل- واهمه- داخل
۱۴- حریفان- مزدبگیر- طوطی سخنگو
۱۵- شهری در «بلژیک»- کشور سردمدار در تجارت ساعت

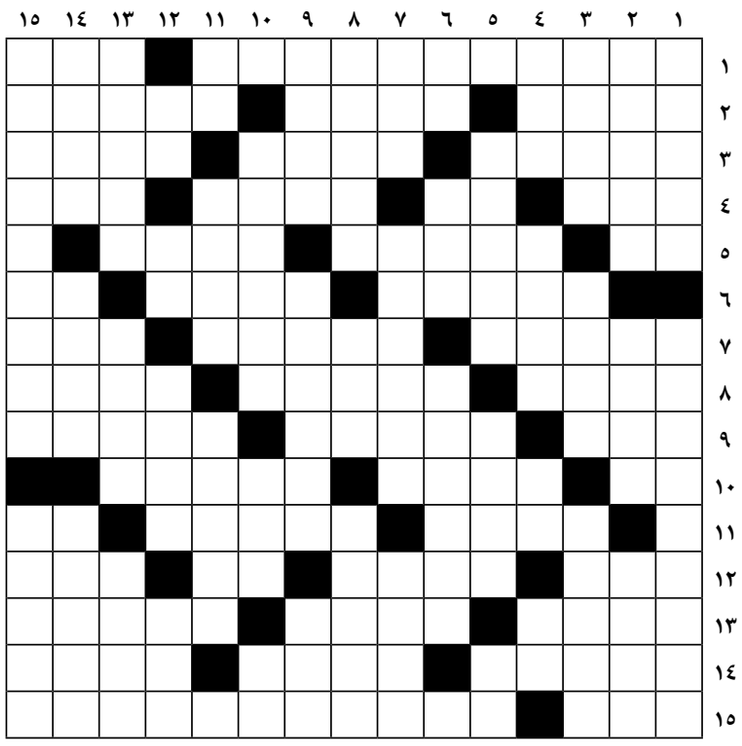

جدول ویژه

افقی:
۱- نام دو موافقت‌نامه که پس از پیروزی در نبرد فریدلند از سوی ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه در شهرکی به همین نام در سال ۱۸۰۷ میلادی به امضا رسید- سنگ زیرین آسیا در کشاکش دهر
۲- قارچ خوراکی- نوعی پرتقال- پیشرفت کردن
۳- التهاب مغز سر همراه با تشنج و پریشان حواسی- قسمی چراغ- عنصری غیر فلزی و فراوان
۴- بدنه- زمینه هنری- رود عراق- فریاد بلند
۵- گندم- حول چیزی را فراگرفتن- جنگ و جدال
۶- زمزمه کننده- سخنوران- رئیس جیم زباند
۷- بچه‌های کوه .... کارتون قدیمی دوست داشتنی- روستایی کوهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان «آبیک»- بدگویی کردن
۸- اعتماد- حرکتی تکنیکی در فوتبال- طلایی

عمودی:
۱- علم جادو و طلسم- نوعی خوراک ساده
۲- خالق «ژان کریستف»- چوپان- عنوان امپراطوران آلمان
۳- نمابر- پنهان نشینی صیاد- سازمانی که به صید، توزیع و فروش ماهی می پردازد
۴- ماشین فرانسوی- وسیله ذوب لحیم- کوچک- سفید آذری
۵- سوره سی و یکم- دارفانی- همراه لرز
۶- خودآرایی- کشیدنی فضول!- مرکز کشور ماتادورها
۷- صدا- چراغ پایه‌دار- بازدارنده
۸- میهمانی از دواج- نوعی اسباب بازی- جالب، طنزگو
۹- از لوازم آرایش- شرح اوستا- لذید
۱۰- سوغات- فصل- حرف نفی
۱۱- جنس جنگجو- مرد شمشیرزن- محلی برای تحصیل
۱۲- محصول آب و صابون- فتنه- گیاه الیافی- بازی فکری کودکانه
۱۳- نان نازک کردستان- گونه ورده- نوعی پنیر سفت
۱۴- فراخ- گذشتن- باتقوا
۱۵- سست رأی- قله «خلخال»

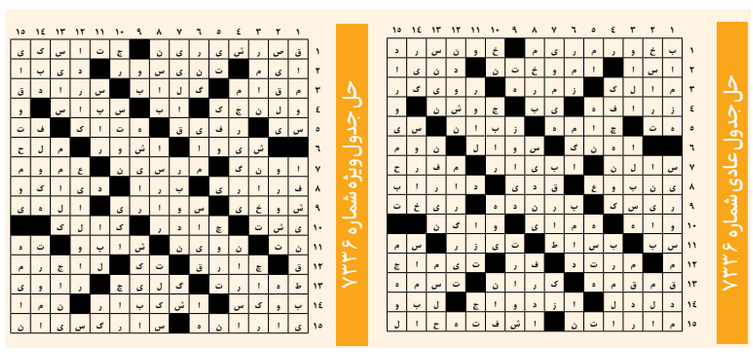

حل جدول عادی شماره ۷۳۳۶

حل جدول ویژه شماره ۷۳۳۶